



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



Criminal Protection of the Right to the Environment

حمایت کیفری از حق بر محیط زیست

Shima Naderi

Assistant Professor, Department of Environmental Law, Faculty of Natural Resources and Environment, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

شیما نادری

استادیار گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

shima.naderi_barrister@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-1485-7190>

Majid Motallebi

PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

مجید مطلبی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

majid.motallebi_barrister@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0001-9150-0817>

Abstract

Today, the right to the environment is a type of human right that is considered a very important issue in the field of domestic and international law. What is more, the right to the environment is accepted as one of the concepts of the third generation of human rights in the international arena. Therefore, the implementation of this right is subject to its recognition and evaluation. The question is how the tools of criminal law as a guarantee of law enforcement in the field of environment can support this pillar of human rights? In other words, is a criminal enforcement guarantee sufficient to protect this right? This article tries to achieve new approaches in this field by descriptive-analytical method and by using library resources in the domestic and international field with the aim of explaining the criminal tools in support of this right while guaranteeing criminal performance and the existing challenges. At this stage, the hypothesis of the question is that the protection of the right to the environment in the domestic and international arenas, in addition to the protection of deterrent laws, requires the promotion of cultural foundations and the growth of economic and even political affairs of societies that have not been seen before.

Keywords: International law, criminal protection, the right to the environment, the third generation of human rights.

چکیده

امروزه حق بر محیط زیست از نوع حقوق بشر است که در حوزه حقوق داخلی و بین‌الملل از موضوعات بسیار مهم قلمداد می‌شود. چه اینکه حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از مفاهیم نسل سوم حقوق بشر در عرصه بین‌الملل پذیرفته شده است؛ بنابراین اجرای این حق منوط به بازشناسی و ارزیابی آن است. مسئله این است که ابزارهای حقوق کیفری به‌عنوان ضمانت اجرای قانونی در حوزه محیط زیست چگونه می‌تواند از این رکن حقوق بشری حمایت نماید؟ به تعبیر دیگر آیا ضمانت اجرای کیفری برای حمایت از این حق کافی است؟ این مقاله تلاش می‌کند تا با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در حوزه داخلی و بین‌الملل با هدف تبیین ابزارهای کیفری در راستای حمایت از این حق، ضمن پرداختن به ضمانت‌اجراهای کیفری و چالش‌های موجود به رهیافت‌های نوین در این حوزه دست یابد. در این مرحله فرضیه سوال مطرح شده این است که حمایت از حق بر محیط زیست در عرصه داخلی و بین‌المللی علاوه بر حمایت‌های قوانین بازدارنده، نیازمند ارتقاء مبانی فرهنگی و رشد امور اقتصادی و حتی سیاسی جوامع است که در حال حاضر دیده نشده است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، حمایت کیفری، حق بر محیط زیست، نسل سوم حقوق بشر.

Received: 2022/01/12 - Review: 2022/04/18 - Accepted: 2022/06/06

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۲ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

ارجاع:

نادری، شیما؛ مطلبی، مجید؛ (۱۴۰۱)، حمایت کیفری از حق بر محیط زیست، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

حقوق بشر سرآغاز همه حق‌هاست. حق بر محیط زیست از جمله نسل سوم حقوق بشری شناخته شده در حوزه بین‌الملل و اسناد قابل اتکاء است. محیط زیست و حفاظت از آن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مهم دولت‌ها و البته ملت‌هاست، چه اینکه راهبرد بسیار مهم آن از طریق همگن‌سازی فرهنگ‌ها به‌ویژه در حوزه منطقه‌ای می‌تواند در حمایت از این حق بسیار مؤثر باشد؛ بنابراین اجرای این حق منوط به شناخت و ارزیابی آن است. مسئله بسیار مهم این است که ابزارهای حقوق کیفری به‌عنوان ضمانت‌اجرای قواعد حقوقی در زمینه محیط زیست چگونه می‌تواند از این ستون حقوق بشر حمایت کند؟

اصولاً جرایم، پدیده‌ای برخلاف هنجارها و ارزش‌های جامعه و در سطح بین‌الملل در مقابل اصول کلی و عرف حاکم بر حقوق بین‌الملل و همچنین مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی قابل توصیف و تعریف است که از منظر جرم‌شناسی عوامل مختلفی از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی مذهبی نیز قابل تبیین است. بشر از بدو تولد به دنبال آزادی، رفاه، امنیت و استفاده مطلوب از امکانات و آنچه خداوند در اختیار ما قرار داده است، است. هدف این مقاله پاسخ به این پرسش است که آیا سیاست‌های بازدارندگی قوانین کیفری زیست‌محیطی می‌تواند منجر به حفاظت بهتر از محیط زیست در جهان شود؟ سوال اصلی این جاست که قوانین موجود در حوزه کیفری به منظور حمایت از این حق در حقوق داخلی و بین‌الملل تا چه اندازه توانسته موفق عمل نماید؟ و به عبارت دیگر آیا ضرورتی به بازنویسی و یا بازنگری قوانین موجود احساس می‌شود یا خیر؟ در این مرحله فرضیه اصلی آن است که ابزارهای حقوق کیفری برای حمایت از این حق و حفاظت از

محیط زیست ناکارآمد بوده و وقت آن است تا دولت‌ها به وسیله بازطراحی قوانین بین‌المللی که حتی بر قوانین داخلی کشورها حکومت داشته باشد به‌طور جدی عمل نمایند.

مقاله حاضر بر توصیف و تجزیه و تحلیل قوانین کیفری و زیست‌محیطی متمرکز است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای طی پنج قسمت بیان شده است. در قسمت اول به مبانی حق بر محیط زیست پرداخته شده و در قسمت دوم حقوق کیفری زیست‌محیطی با اشاره به اسناد بین‌المللی اعم از جهانی و منطقه‌ای آن مورد بررسی قرار گرفته است. در قسمت سوم تأثیر جرایم علیه محیط زیست و اعمال محدودیت‌های حقوق بشری مورد تدقیق قرار گرفته و در قسمت چهارم به ضرورت حفاظت کیفری از تخریب محیط زیست پرداخته شده. در قسمت پنجم نقش حاکمیت دولت‌ها در اعمال قوانین کیفری زیست‌محیطی از نظر گذشته است و سرانجام پس از نتیجه‌گیری به رهیافت‌های نوین حمایت از این حق اشاره گردیده است. همچنین شرح مختصری از «قانون کیفری و زیست‌محیطی به هم پیوسته» به‌عنوان یک حق بشری را توضیح می‌دهد. علاوه بر این، تلاش می‌شود تا دانشی ولو اندک در حوزه قانون کیفری و محیط زیست ارائه شود.

نگارندگان در این مقاله سعی می‌کنند ضمن بیان رویکرد قانونی در حوزه حقوق کیفری چه در داخل و چه در حوزه بین‌الملل با بررسی ابعاد تأثیرگذار آن اعم از مثبت یا منفی به مواردی چون اخلاق، فرهنگ، اقتصاد، جامعه سالم و سایر مواردی که می‌تواند ما را در حفظ و نگهداری از محیط زیست خود کمک کند بپردازد. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که علاوه بر تعیین ضمانت‌اجرای کیفری و مدنی، استفاده از ابزارهای فرهنگی ضرورتی انکارناپذیر است.

۱- حق بر محیط زیست پاک به‌عنوان حقوق بشر

رابطه بشر با محیط زیست در سال‌های متمادی از منظر و دیدگاه‌های متفاوتی برسر زبان‌ها بوده است و از آنجا که محیط زیست به کل بشر اختصاص دارد پس حفاظت از آن نیز به‌عنوان منفعت مشترک به رفتار این کل وابسته است. همان‌طور که در ماده یک اعلامیه استکهلم آمده است: «انسان باید از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌تمندانه را بدهد، برخوردار باشد. انسان مسئول حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده است.» از این رو بشریت در حفاظت از محیط زیست در برابر مخاطرات و آلودگی‌ها، نقش بسزایی داشته و لازم و منطقی است که بشر را با مسائل محیط زیستی آشنا کرده تا به صحنه بیانند و هر جا تخریبی مشاهده شد با اطلاع‌رسانی و راستی آزمایی، اعتراض و انتقاد خود را به گوش مسئولین رسانده و افشاگری

نمایند؛ زیرا آسیب‌های زیست‌محیطی اگر پیشگیری نشود، جبران‌ناپذیر است.

حق بر محیط زیست پاک در قوانین داخلی کشورها نیز بیش از پیش مورد شناسایی قرار گرفته و در قالب قوانین اساسی که بعد از ۱۹۷۰ تصویب یا اصلاح کلی شده‌اند مورد توجه واقع شده است؛ علاوه بر قوانین اساسی، قوانین داخلی، قوانین مربوط به برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در بسیاری از کشورها راهکارهای تحقق این حق را پیش‌بینی کرده است. اصل پنجاهم^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شناسایی این حق تخصیص دارد. از این‌رو دولت‌ها نباید شرایط حیات را دچار تغییرات نامساعدی نمایند که سلامت و بهزیستی جمعی را مورد مخاطره قرار دهد زیرا در پرتو حق داشتن محیط زیست سالم افراد و اجتماعات بشری حق دارند از محیط زیستی سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

حق به محیط زیست سالم به‌طور کلی مستقل از حقوق محیط زیست قلمداد می‌گردد، طرفداران حقوق بشر، حق به محیط زیست را به‌عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط زیست با کیفیت به رسمیت می‌شناسند. حق به محیط زیست هم منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق به حیات، حق سلامتی، حق به زندگی با استاندارد است (مولایی، ۱۳۸۶، ۲۷۳). محیط زیست یکی از ارزش‌های اساسی جوامع انسانی در سراسر جهان بوده است زیرا بقای انسان مبتنی بر حفاظت از آن است، اما نمی‌توان به‌طور قطعی عقیده داشت که حقوق محیط زیست بتواند همه مشکلات محیط زیستی را حل کند؛ از سوی دیگر نمی‌توان این ابزارهای قانونی را کنار گذاشته و به از بین بردن محیط زیست تسریع بخشید (نادری، ۱۴۰۰، ۳۰).

۲- حقوق کیفری زیست‌محیطی

در دوره جدید، گسترش روزافزون پدیده مجرمانه همراه با پیدایش ابعاد نوین بزه و بزهکاری، مشکل ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در استفاده از ضمانت‌اجراهای کیفری را بیشتر نمایان می‌سازد. از این‌رواز منظر جرم‌شناختی، تعیین سیاست جنایی با رویکرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و همچنین مشارکت جامعه مدنی در توسعه عدالت کیفری ضروری است. یکی از بایسته‌های اولیه برقراری رژیم کیفری در هر نظام

۱- اصل پنجاهم: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

حقوقی شناسائی، تدوین و ایجاد نظام سلسله‌مراتبی در میان ارزش‌های حقوقی جوامع است (عبداللہی، ۱۳۸۶، ۹۷-۱۱۷) که یکی از این ارزش‌های مهم و حیاتی، محیط زیست است.

محیط زیست که نقطه متمایز تداوم حیات بشری و اکوسیستم محیطی شامل تمامی جوانب آن است که تنها گذرگاه و محل بقای انسانی در کنار سایر جانداران به شمار می‌آید، در زمره نمودهای نخستین وجود امنیت مزبور در بعد عینی برای بشر است که هر تصور و پنداری در خصوص امنیت، نظیر امنیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و از این قبیل تابع و وابسته به وجود آن است. تصور آب‌های آلوده، هوای سرشار از دی اکسید کربن و کمبود اکسیژن، مرگ بی‌رویه جانداران دریایی مورد مصرف غذایی بشر، منقرض شدن نسل‌های حیوانات جنگلی و بیابانی که اکوسیستم محیط، نیاز مبرمی به وجود آن‌ها برای تداوم دارد، زمین‌های کشاورزی آلوده به مواد سمی و شیمیایی کارخانجات بشری و موارد بس وافر از این قبیل اگرچه در نظر پاره‌ای کم‌اهمیت می‌نماید، اما حیات بشر را به نحو عینی و واقعی مواجه با خطر می‌سازد (دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۸، ۱۲۶). از این‌رو نیاز وافر به پدیده جرم‌انگاری آسیب به قلمرو محیط زیست و جلوگیری از تعدی به آن از طریق حقوق کیفی بر ما پوشیده نیست.

واکاوی در سوابق تقنینی مقررات زیست‌محیطی در حقوق ایران حاکی از آن است که نخستین قوانین موضوعه با انشاء مواد «۱۷۹»^۲ و «۱۸۲»^۳ قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸)، قانون راجع به شکار (مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۰۴)، ماده «۱۹»^۴ قانون سازمان برق ایران مصوب ۱۳۴۶/۰۴/۱۹، قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۱۶) و اصلاحیه‌های بعدی آن مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۲۵ که در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده، آغاز گردیده و اولین قانون جامعی که به‌طور نسبی در خصوص همه ابعاد محیط زیست که تغییرات بنیادین ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشته و به تصویب رسیده، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۲۸ است.

بعد از انقلاب اسلامی قوانین کیفی‌ای که در این حوزه تصویب شده، می‌توان به ماده یک^۵ قانون

۲- ماده ۱۷۹: شکار کردن موجب تملک است.

۳- ماده ۱۸۲: مقررات دیگر راجع به شکار به موجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد.

۴- ماده ۱۹: در صورتی که در مسیر خطوط هوایی نیروی برق درختان باشد که ایجاد مخاطرات فنی نمایند وزارت آب و برق و مؤسسات و شرکت‌های تابعه آن می‌توانند اقدام به هرس یا قطع آن درختان نمایند بهای درختان قطع شده طبق ماده ۱۶ این قانون پرداخت خواهد شد.

۵- ماده ۱: به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان قطع هر نوع درخت در معابر، میادین، بزرگراه‌ها و پارک‌ها، باغات و محل‌هایی که به صورت باغ شناخته شوند در محدوده قانونی و حریم شهرها بودن اجازه شهرداری

اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۸/۰۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده یک^۶ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۰۷/۰۵، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۰۶/۱۴، مواد «۱۴»^۷، «۱۵»^۸ و «۱۶»^۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۰۲/۰۳ مجلس شورای اسلامی، اصلاحیه قانون شکار و صید که فوقا اشاره شده، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۲۰، دستورالعمل اجرایی پیشگیری از تخریب، تجاوز و تصرف عدوانی اراضی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۳/۰۹/۲۲ رییس قوه قضائیه^{۱۰} و آرای

منوع است. ضوابط مربوط به چگونگی اجرای این ماده پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب شورای شهر قابل اجراست.
۶- ماده ۱: از تاریخ تصویب این قانون گونه‌های درختانی از قبیل شمشاد، زرین، سرخدار، سروخمره‌ای، سفیدپلت، حرا و چنندل، ارس، فندق، زیتون طبیعی، بنه (پسته وحشی)، گون، ششم، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جزء ذخائر جنگلی محسوب و قطع آن‌ها ممنوع است.

۷- ماده ۱۴: فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت ننمایند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است.

۸- ماده ۱۵: سازمان حفاظت محیط زیست کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که آلودگی آن‌ها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به صاحبان و یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها ابلاغ خواهد کرد تا در مهلت معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذیربط تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند.

۹- ماده ۱۶: در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده‌کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط نمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذیربط محل که بلافاصله توسط مأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود از کار و فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد. ادامه کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های مزبور منوط به صدور اجازه سازمان حفاظت محیط زیست و یا رأی دادگاه صلاحیتدار خواهد بود.

۱۰- به منظور حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی و صیانت از حقوق عمومی، جلوگیری از تغییر وضعیت اراضی کشاورزی، باغات، جنگل‌ها و مراتع و تخریب غیرقابل جبران محیط زیست در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ و وظیفه موضوع اصل ۵۰ قانون اساسی، شورای عالی سیاست‌گذاری و پیشگیری از تخریب و تصرف اراضی و منابع طبیعی به ریاست رییس قوه قضائیه و عضویت دادستان کل وزیر مسکن و شهرسازی، وزیر جهاد کشاورزی تشکیل می‌شود. دستورالعمل اجرایی این پیشگیری به دادگستری‌های کلیه استان‌های کشور جهت اقدام به شناسایی متجاوزین به اراضی و منابع طبیعی و برخورد با آنان براساس اصل ۴۹ قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه به قرار ذیل می‌باشد: ۱- روسای کل دادگستری استان‌ها موظفند حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ دستورالعمل با تشکیل شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی وظایف و تکالیف مقرر در این دستورالعمل را انجام دهند. ۲- شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی با

وحدت رویه شماره «۶۸۱» مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۲۶ و «۶۸۵» مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ و نیز مواد ۶۸۸ و ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ یاد نمود.

در قانون اخیر قانون گذار اشعار می داشت: «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای

ترکیبی از دادستان عمومی و انقلاب، مدیرکل بازرسی، مدیرکل ثبت اسناد و املاک، رییس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیرکل منابع طبیعی، مدیرکل اطلاعات، معاون سیاسی و امنیتی استاندار، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شهردار مرکز استان و شهردار مربوط در هر مورد با مسئولیت رییس کل دادگستری در هر استان تشکیل خواهد شد. ۳- تشکیل جلسات، اداره امور شورا، پیگیری مصوبات و هماهنگی بین مراجع ذیربط و نظارت بر حسن جریان امور بر عهده رییس شورا است. ۴- دبیرخانه شورا تحت دادستان عمومی و انقلاب امور اداری و اجرایی را بر عهده دارد. ۵- جلسات شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی استان حداقل هر ماه یک بار با دعوت کتبی دبیر شورا (دادستان عمومی و انقلاب) تشکیل خواهد شد. ۶- وظایف و مأموریت شورای حفاظت از اراضی و منابع طبیعی استان: الف- جمع آوری اطلاعات مربوط به آخرین وضعیت اراضی و منابع طبیعی استان. ب- تعیین روش های پیشگیرانه و اتخاذ تدابیر لازم در جلوگیری از تصرف و تخریب اراضی و منابع طبیعی. د- شناسایی خلاءهای قانونی و ارائه راهکار. ه- ایجاد هماهنگی بین وظایف، مأموریت و اقدامات مراجع اجرایی ذیربط. و- تعیین اولویت ها، تنظیم برنامه اجرایی و پیگیری آن تا تحقق اهداف. ۷- دادگستری های محل وقوع اراضی حسب اعلام شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی باید شعبه ای از محاکم عمومی و دادرهای عمومی و انقلاب را جهت رسیدگی به دعاوی و شکایات مربوطه اختصاص دهند. ۸- رسیدگی و اقدامات قضایی برای خلع ید، رفع تصرف، امحا آثار تصرف، ابطال معاملات و ابطال اسناد صادره با قید فوریت و به صورت فوق العاده انجام خواهد شد. ۹- اطلاع رسانی به هنگام، از اقدامات و نتایج فعالیت ها بر عهده دبیر شورا است. ۱۰- رییس شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی استان هر فصل گزارشی از فعالیت های انجام شده را به رییس قوه ارائه خواهد داد و باید اخبار و اقدامات مهم را بلافاصله منعکس نماید. ۱۱- تصمیمات شورا برای کلیه مراجع و دستگاه های ذیربط به ویژه ادارات عضو شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه لازم الاتباع است. ۱۲- این دستورالعمل با یک مقدمه، ۱۲ بند و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۲ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

۱۱- به موجب ماده یکم تصویب نامه قانون ملی شدن جنگل های کشور مصوب ۱۳۴۱، عرصه و اعیانی کلیه جنگل ها و مراتع، بیشه های طبیعی و اراضی جنگلی کشور جزء اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت است و لو این که قبل از این تاریخ افراد آن را متصرف شده و سند مالکیت گرفته باشند و مطابق ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۲۸۷/۱۳۷۱ تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع با وزارت جهادسازندگی است و به صرف تشخیص وزارت مذکور و قطعیت آن، در مالکیت دولت قرار می گیرد و در خصوص مورد، عدم صدور سند مالکیت بنام دولت جمهوری اسلامی ایران، نافی مالکیت دولت نسبت به منابع ملی شده که به ترتیب مقرر در ماده مرقوم احراز شده و قطعیت یافته باشد نخواهد بود.

۱۲- اعمال ارتكابی متهمان در مورد تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به منظور تصرف با ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و در مورد قطع اشجار با ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع منطبق است زیرا: هر یک از اعمال ارتكابی واجد جنبه جزایی خاص بوده و از مصادیق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و تعدد مادی جرم، محسوب می شود.

سبز را عالماً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» قانون اخیر به موجب ماده ۴ قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی و مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۸/۰۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام اصلاح گردید. براساس قانون جدید که مقرر می‌دارد: «هرکس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای قطع هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

مقایسه دو مقرر فوق نتیجه‌اش این است که در قانون قبلی قاضی رسیدگی کننده بدون لحاظ تعداد قطع درختان و فارغ از اینکه یک اصله باشد یا صد اصله درخت با در نظر گرفتن اصل تناسب مجازات‌ها و اصل فردی کردن و بررسی انگیزه مجرمانه و گشاده دستی در تبه مجرمان، علاوه بر محکومیت به جبران خسارت، حسب مورد یا جزای نقدی را اعمال نماید و یا حبس تعزیری را در مورد مجرم در نظر بگیرد اما در قانون جدید قانون‌گذار با لحاظ تعداد درختان که کمتر از سی اصله باشد؛ قاضی را مکلف به تعیین جزای نقدی کرده و برای بالاتر از تعداد فوق مجازات حبس را الزامی دانسته است. شاید در بادی امر این شیوه قانون‌گذاری از نظر برخی مدرن تلقی گردد؛ اما ایراد کار اینجا است که در جرایم محیط زیستی که اصولاً با مجرمان سازمان یافته و هدایت شده از طریق مافیا و سوداگران طبیعت‌خوار طرف هستیم و آن‌ها با اجیر کردن تعداد زیادی از مجرمان و با قطع تعداد اصله‌ای از درختان که صرفاً مجازات جزای نقدی را در پی دارد به نوعی با انحراف از قانون و دور زدن آن به مقاصد شوم خود رسیده و از مجازات‌های شدیدتری که در پاره‌ای از موارد اثر بازدارندگی آن بیشتر از جزای نقدی است؛ به آسانی رهایی می‌یابند زیرا نه تنها پرداخت جزای نقدی نیز برای ایشان اثر بازدارندگی نداشته بلکه پرداخت این اعداد و ارقام ناچیز جزای نقدی در مقابل حجم عظیمی از تخریب محیط زیست جهت سودجویی گسترده، به وسیله تشکیلات سازمان یافته آن‌ها به راحتی صورت می‌گیرد و بدین شکل قانونی که فرض بر این است که موجبات بازدارندگی را فراهم سازد، خود الگویی برای تسهیل در جرم خواهد بود.

ملاحظه شد که قانون‌گذار لاقفل در حوزه حفظ جنگل‌ها یک قدم به عقب گام نهاده است. از طرفی

قانون‌گذار شیوه جبران خسارت را نیز تعیین ننموده است هرچند در مواردی جبران خسارت اصولاً امکان‌پذیر نیست یا سال‌ها برای جایگزینی آن طول خواهد کشید. جنگلی که سال‌ها برای شکل‌گیری آن زمان خواهد برد چگونه در رای یک قاضی گنجانده خواهد شد؟ لذا اکثر موارد برشمرده و قوانین دیگر متأسفانه به دلیل تعیین مجازات‌های نامتناسب با بزه تخریب و نابودی محیط زیست به دلایلی کارآمد نیستند. لازم به ذکر است از نوآوری‌های قانون‌گذار در ماده «۶۶»^{۱۳} قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحیه (۱۳۹۴) این بوده که امکان طرح اعلام جرم و شرکت در دادرسی جرایم علیه محیط زیست از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد را پذیرفته است. شاید این نقطه آغازی برای اشاعه فرهنگ حمایت از محیط زیست از طریق این نهادها باشد که البته اقدامی موافق با حمایت از حق بر محیط زیست پاک است. با این وصف ناکارآمد بودن قوانین برشمرده نباید دلیلی برای قضا‌زدایی شود. بدین منظور آلودگی‌های پیش‌آمده توسط انسان‌ها اگر تهدیدی علیه محیط زیست محسوب شوند در حقیقت مجازات‌ها باید تشدید یا بازنگری شوند. از طرفی ماهیت مسئولیت در خسارت‌های زیست‌محیطی به‌طور عمده تابع حقوق عمومی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۹۰).

نتیجه اینکه حقوق مسئولیت مدنی برای پاسخ‌گویی به خساراتی که از روی عمد و یا سوءنیت به دیگران وارد می‌شود؛ مناسب نیست و چنین مسئولیتی غالباً به حقوق کیفری واگذار می‌شود.^{۱۴} از این رو باید میان جرایم زیست‌محیطی که آسیبی به دارایی اشخاص می‌زند و جرایمی که علیه منافع عمومی است تفکیک قائل شد. توضیح آن که چنانچه برای مثال جرمی علیه حیوان متعلق به دیگری ارتکاب یابد شخص زیان‌دیده می‌تواند بر مبنای قانون مسئولیت مدنی خواهان مطالبه ضرر و زیان خویش شود، اما چنانچه جرایم زیست‌محیطی همچون جنگل‌زدایی یا از بین بردن تنوع زیستی علیه منافع مشترک و جمعی باشد دیگر نمی‌توان بر اساس قوانین مسئولیت مدنی خواستار جبران خسارت بود و باید بر اساس مقررات

۱۳- ماده ۶۶: سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.

۱۴- کاربر است این نوع خسارات برای خسارت‌های زیست‌محیطی گزینه محل تأملی است که نیاز به مطالعه‌ای مستقل دارد. برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت خسارات تنبیهی نک: عبدالهی، محسن، ۱۳۸۳، خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۰، صص ۸۵-۱۱۹.

زیست‌محیطی این مطالبات خواسته شود (جعفری و احمدی، ۱۳۹۸، ۶۲۲). از سوی دیگر، چالش جبران خسارت جرایم محیط زیستی در مورد نسل‌های آینده بیشتر می‌شود، چراکه محیط زیست موهبتی خداوندی است که تنها به نسل حاضر تعلق ندارد و در صورت تخریب آن نسل‌های آینده نیز بزه‌دیده خواهند بود؛ که از جمله این چالش‌ها جرم‌انگاری نشدن خسارات و اینکه برخی از آن‌ها دارای جنبه فرامرزی هستند که تعدد نهادهای تصمیم‌گیری و قضایی داخلی و بین‌المللی از عمده مشکلات در این خصوص است (جعفری و احمدی، ۱۳۹۸، ۶۱۶).

همچنین در حوزه بین‌الملل، کنوانسیون‌هایی چون کنوانسیون لندن، کنوانسیون سازمان منطقه‌ای راپمی (کویت)، کنوانسیون برنامه مهاجر^{۱۵}، کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی، کنوانسیون وین، کنوانسیون استکهلم^{۱۶}، کنوانسیون روتردام^{۱۷}، کنوانسیون محیط زیست خزر (تهران)، کنوانسیون رامسر، کنوانسیون سائیتس، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون گونه‌های وحشی، کنوانسیون جیوه (میناماتا) و یا کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریا خزر به موجب ماده واحده کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریا خزر مصوب ۱۳۸۴/۰۳/۱۰ مشتمل بر یک مقدمه و سی و هفت ماده به شرح پیوست آن تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده شده است. به‌عنوان نمونه این کنوانسیون که فی‌مابین دولت‌های ساحلی دریای خزر؛ جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری قزاقستان، فدراسیون روسیه، ترکمنستان منعقد گردیده است. به موجب ماده ۲۴ این کنوانسیون: «هر طرف متعاقد می‌تواند پروتکل‌هایی را برای این کنوانسیون پیشنهاد نماید. این پروتکل‌ها به اتفاق آراء در جلسه فراهمایی طرف‌های متعاقد به تصویب خواهد رسید. چنانچه در متن پروتکل‌ها برای تصویب، روش دیگری پیش‌بینی نشده باشد، پروتکل‌ها پس از آن که تمامی طرف‌های متعاقد طبق تشریفات قانون اساسی خود، آن‌ها را تنفیذ یا تصویب نمایند، لازم‌الاجراء خواهند شد. پروتکل‌ها جزء لاینفک این کنوانسیون خواهند بود.» ایراد کار آن جا است که اگر پروتکل‌های مذکور طبق قانون اساسی آن کشور تصویب نگردد اجرای این کنوانسیون منطقه‌ای عقیم یا معلق می‌ماند این مسئله راجع به کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز این چنین است چه اینکه یا کشوری آن را با حق شرط می‌پذیرد و یا اینکه پس از امضای آن به تصویب قوه مقننه نمی‌رساند و یا اساساً از امضای آن سر باز می‌زند. لذا مقررهای بین‌المللی هم بعضاً نمی‌تواند واجد ضمانت‌اجرای کامل باشد. چون قوانین

15- CMS

16- POPs

17- PIC

زیست محیطی بین‌المللی و قوانین منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه دچار ضعف بوده چراکه اغلب کلی، مبهم، متناقض و بیش از حد ملایم بوده است.^{۱۸}

از آنجا که بهره‌برداری از منابع طبیعی تخریب‌های زیست محیطی را در پی داشته، اقدامات مؤثری در جهت حفاظت از این منابع صورت نپذیرفته است. این ناشی از ناکافی بودن یا نارسا بودن قواعد زیست محیطی و برخورد ناکافی مراجع قضایی و سهل‌بودن آراء دادگاه‌ها است. به نظر می‌رسد احکام صادره در این حوزه بایستی با دقت بیشتر صادر گردند چراکه مقوله محیط زیست یک مقوله حقوق بشری است که از حقوق طبیعی انسان نشأت می‌گیرد. قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست از مهم‌ترین قواعد برای دولت‌ها و ملت‌ها به شمار می‌آید چراکه نه تنها یک اصل بنیادی زیست بوم بوده بلکه یک اصل اساسی برای حاکمیت ملی و حفاظت از طبیعت انسانی به شمار می‌رود. حقوق بین‌الملل محیط زیست تلاش می‌کند که اجماع بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت منع آسیب زیست محیطی و الزام به حفاظت از محیط زیست با توجه به حق حاکمیت ملی صورت پذیرد، اما نکته قابل تأمل این است که قوانین زیست محیطی خود به خود الزام‌آور نیستند و نمی‌توان آن‌ها را خود به خود و به صورت مؤثر پیاده‌سازی نمود مگر اینکه در این راستا جهت ظرفیت‌سازی اقدامات مؤثری انجام پذیرد که این مسئله عزم جهانی می‌طلبد.^{۱۹}

از این‌رو نه حقوق محیط زیست و نه آموزش‌های زیست محیطی می‌تواند موفق باشد وقتی که قدرت مقابله با توسعه اقتصادی نامطمئن وجود نداشته باشد، جایگزین‌های مناسب برای رشد و ترقی اقتصادی پیش‌بینی نشود و حفاظت از محیط زیست جهانی دغدغه نگردد (تقوی و طیبی، ۱۳۹۱، ۱۲۳) و از آنجا که ضرورت حفاظت از محیط زیست مشکلی وسیع و پیچیده در حقوق بین‌المللی است (طیبی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۹۲)، بنابراین تحقق اهداف حقوق بین‌الملل محیط زیست در جهان امروز، با سازوکارهایی که به منظور پیشگیری از تخریب و

۱۸- به‌طور کلی دولت‌ها جهت حمایت از محیط‌زیست ضمانت اجراهای گوناگونی از جمله ضمانت اجرای اداری و انتظامی، مدنی و کیفری را مورد توجه قرار داده‌اند. به منظور نیل به اهداف مورد نظر جهت صیانت از محیط‌زیست باید اقداماتی فراهم کرد که توسط آن‌ها بتوان نظام حقوقی ایران نیز در این عرصه متحول کرد. تدوین مقررات جدید و یا بازنگری در مقررات موجود، نخستین گام در این حوزه است. این عمل مزیت عمده‌ای برای دولت جمهوری اسلامی دارد؛ زیرا تدوین مقررات جدید زیست محیطی و بازبینی مقررات سابق به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در راستای اجرای تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی زیست محیطی تلقی می‌شود که ایران بدان متعهد شده است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۸، ۴۶).

19- Protocol for the Protection of the Marine Environment against Pollution from Land-Based Sources (Kuwait-1990).

آلودگی محیط زیست طراحی شده است، میسر می‌شود. بسیاری از این سازوکارها به دلیل ضعف ضمانت اجرای مستحکم، در برخی از موارد نادیده گرفته می‌شوند؛ با این حال، حقوق بین‌الملل محیط زیست در مسیری گام برمی‌دارد که تعهداتی از درجه نرم را در قالب قواعد قوام‌یافته‌ای شناسایی کند که در صورت نقض، به نحو سازمان‌یافته‌ای جبران شود (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۸، ۳۹).

امروزه جامعه جهانی نگران از آینده کره زمین است و به دنبال راه‌حلی برای مقابله با آسیب‌هایی است که به صورت بالقوه و یا بالفعل محیط زیست و آینده بشریت را تهدید می‌کنند، اما مسئله این است که هرچند جامعه جهانی به دنبال پذیرش جرم زیست‌محیطی به‌عنوان پنجمین جرم بین‌المللی می‌باشد، اما منافع کوتاه‌مدت دولت‌ها و نیز سایر چالش‌های موجود بین‌المللی مانع از تحقق این امر تا به امروز شده است. در واقع دولت‌ها از طرفی به دنبال اعمال حاکمیت مطلق در سطح بین‌المللی می‌باشند و از سوی دیگر با قبول معاهدات و قواعد آمره بین‌المللی سعی در حفظ تعادل تنها کره مسکون دارند، اما متأسفانه روند تخریب محیط زیست همچنان با سرعت قابل توجهی در حال افزایش است (جام بزرگ و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۵۹).

۳- تأثیر جرایم علیه محیط زیست و اعمال محدودیت‌های حقوق بشری

حقوق بشر و برخورداری از محیط زیست سالم در قالب حقوق نسل سوم حقوق بشر، موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه جدی بسیاری از کشورها قرار گرفته است. ظهور این نسل، تحت عنوان حقوق همبستگی، بستر تحقق هم‌زمان حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با تشریک مساعی انواع تابعان حقوق بین‌الملل و بازیگران جامعه بین‌المللی در راستای تضمین رعایت حقوق بشر تأمین می‌کند (وکیل و عسکری، ۱۳۸۳، ۲۷۴). قواعد حقوقی مدرن بر این نکته تأکید دارند که یکی از حقوق اساسی بشر عبارت از حق زیست در محیطی سالم و پاکیزه است. یک محیط آلوده سبب نقض اساسی حقوق بشر می‌شود و همچنین منجر به فقر و تنزل مقام انسانی خواهد شد (Joyner, 2005, 219). Christoper C حفاظت جهانی از محیط زیست نیز همانند حمایت از حقوق بشر و ملاحظات اولیه انسانی، یکی از منافع متعلق به جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود، چراکه حفاظت از محیط زیست حراست از زندگی تمام انبای بشر را در پی دارد (عرب اسدی و رنجبریان، ۱۳۹۷، ۴۰۲).

پیش‌نویس طرح جرایم علیه صلح و امنیت بشری که اصول نورنبرگ و مضامین حقوق بشری را نیز در خود نهفته دارد، برای نخستین بار ایراد خسارات عمدی و شدید نسبت به محیط زیست را به‌عنوان

جنایت بین‌المللی تلقی نمود. به این نحو که مرتکبین این جنایات افرادی هستند که به نحو ارادی خود مستقلاً خسارت طولانی‌مدت، شدید و گسترده به محیط زیست طبیعی وارد می‌کنند یا به این امر فرمان می‌دهند.^{۲۰} اساساً جامعه جهانی در ارتباط با جرایم بین‌المللی با احتیاط برخورد می‌نماید چه رسد به اینکه این نوع جرایم دربرگیرنده مفاهیم ناشناخته یا شک برانگیز و یا از منظر برخی از سیاست‌مداران، نه چندان با اهمیت باشد. لازم است به این مسئله توجه شود که هنوز حقوق‌دانانی هستند که در رسیدگی به جرایم بین‌المللی سنتی مانند نسل‌کشی و یا جنایات علیه بشریت نیز با دیده تردید می‌نگرند. در نتیجه عمده‌ترین چالش در جرم‌انگاری زیست‌محیطی نهادینه کردن و تثبیت عمق فاجعه و تأثیر نگران‌کننده رفتارهایی است که می‌تواند محیط زیست جهانی را به سمت دگرگونی سوق دهد و زندگی بشر را با خطر مواجه سازد؛ بنابراین جامعه جهانی ناگزیر است از تجربیات گذشته خود در برخورد با سایر جرایم بین‌المللی بهره‌جوید و نیز با همکاری‌های بین‌المللی بر چالش‌ها و اختلافات موجود در تدوین شاخص‌های جرم‌انگاری زیست‌محیطی به‌عنوان یک سند بین‌المللی فایق آید تا بتوان با قاطعیت بیشتری با آسیب‌ها و تخریب‌های زیست‌محیطی مبارزه نمود (جام بزرگ و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۷۶).

۴- ضرورت حفاظت کیفری از تخریب محیط زیست

یکی از اصول بنیادین حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست است. به خاطر اهمیت ویژه محیط زیست لازم است حفاظت‌های گسترده‌ای از آن شود چراکه محیط زیست مقوله جدا از محیط اجتماعی افراد نیست. اگر حق و ارزش حیات را به‌عنوان پایه‌ای‌ترین مفهوم حقوق بشر فرض نمائیم، حق به محیط زیست سالم که معنی محیط اجتماعی مناسب برای فعالیت انسان و رشد او در ابعاد گوناگون است از انشعابات همین حق بنیانی محسوب خواهد شد (وکیل و عسکری، ۱۳۸۳، ۱۲۸).

محیط زیست صرف‌نظر از ارزش فی‌نفسه آن، فضای طبیعی حیات بشر به‌شمار می‌رود، به این‌گونه که ارتباط تنگاتنگ حقوق بشر و حمایت از محیط زیست قابل‌شناسایی و قابل‌توجه است. صیانت کیفری از حقوق محیط زیست با دو استدلال قابل‌توجه است: استدلال اول مربوط به ماهیت عام‌الشمول بودن قواعد زیست‌محیطی بوده و استدلال دوم از عدم کفایت قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای تضمین رعایت قواعد زیست‌محیطی ریشه می‌گیرد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۳۷).

20- Crimes against the peace and security of Mankind, G. A. Res. 151, U. N. 42 Sess, U. N. Doc A/42/49 (1987) , Crimes against the peace and security of Mankind, 1991, U. N. Doc. A/CN.4/Ser. A/1991/Add. 1 (part. 2).

حقوق محیط زیست قوانین نظارتی و انتظامی وجود دارد که هدف از آن‌ها کنترل و در برخی موارد، ممنوع کردن فعالیت‌هایی است که می‌تواند به از هم پاشیدگی محیط طبیعی منجر شود. هدف از تمامی این مقررات این است که افراد به رعایت قوانین بیولوژیک و تعادل اکولوژیک عمومی ملزم شوند (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۴، ۲۸).

حمایت از محیط زیست را باید در یک گستره فراگیرتر از حمایت جزایی مطمح نظر قرارداد. هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد که برای حمایت فراگیر از محیط زیست باید ابزارهای کیفی (مناسب و مؤثر) به خدمت گرفت. به عبارت دیگر برای آن که بتوانیم از محیط زیست در برابر جرایم (آلودگی‌های گوناگون و خطرناک) به‌خوبی حمایت کنیم و موفق به کنترل و کاهش اقدامات آلاینده زیست‌محیطی شویم، باید حمایت جزایی را مدنظر قرار دهیم (قاسمی، ۱۳۸۰، ۱۱۴-۱۴۴).

اما اصولاً ریشه اکثر جرایم را می‌توان از بعد روان‌شناسی ناشی از نقصان فرهنگی و یا فقر یا کمبود اقتصادی دید و آن را ملموس‌تر و محسوس‌تر درک نمود. به عبارت دیگر هر عمل نابهنجار چنان که در دوران طفولیت از سوی خانواده به‌عنوان اولین، مهم‌ترین و کوچک‌ترین حوزه اجتماعی یک شخص قابل انتقال باشد چون که یک فرد در چه خانواده‌ای و با چه خصوصیتی متولد شده و رشد می‌کند و در نهایت وارد اجتماع بزرگ‌تر یعنی جامعه می‌شود بر این اساس قابل بررسی است. از اواخر قرن نوزدهم دانشمندان با تحقیق و پژوهش اجتماعی و بررسی آمارهای کیفی تأثیر وضع محیط خانوادگی را در بروز جرایم تأیید و اذعان دارند که وضع محیط خانوادگی رابطه مستقیم با بروز حالت خطرناک جرم دارد (دانش، ۱۳۷۴، ۲۲۷). ریشه مهم تبه‌کاری در تعدادی از کشورهای در حال توسعه وابسته به مشخصات وضع سیاسی آن‌ها است که معادل آن وضع در جوامع صنعتی وجود ندارد (گسن، ۱۳۷۴، ۳۶). هرچند «افلاطون» در کتاب جمهوریت می‌نویسد فقر و ثروت سبب نابودی کشورها می‌شود؛ فقر، احساسات را از بین برده حس کینه توزی، انتقام جوئی، بدبینی و حسد را تشدید می‌کند. کثرت ثروت مبانی اخلاقی را سست نموده سبب تنبلی، بی‌قیدی، غرور و بی‌اعتنایی نسبت به دیگران می‌شود و کشور را به فنا و نابودی می‌کشاند زیرا تقوای واقعی و ثروت‌های کلان و هنگفت، مانع‌الجمع هستند. افلاطون برای پیشگیری از بزه‌کاری تعدیل ثروت و بهبود وضع زندگی فقرا را توصیه می‌کنند (دانش، ۱۳۷۴، ۲۷۷). لذا اصولاً جرایم محیط زیستی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با مسائل اخلاقی و فرهنگی می‌توانند در کشورهای جهان سوم بیشتر متبلور و متصور باشند. این در حالی است که کوه‌ها، دریاها، چمنزارها، جنگل‌ها و حتی خاکی

که بشر بدون تأمل و تعمق به آن درصدد نابودی و فرسودگی آن است، می‌تواند چنان شور و شعفی به انسان اعطاء کند که مصداق بارز آن سوره‌های نحل و تکویر در قرآن کریم است.

۵- نقش حاکمیت دولت‌ها در اعمال قوانین کیفی زیست‌محیطی

حاکمیت همان اقتدار عالی‌ه یک دولت در اتخاذ و اجرای تصمیمات مربوط به آن سرزمین است (Andrews, 2011). حاکمیت دو بعد داخلی و خارجی دارد: بعد داخلی حاکمیت این‌گونه است که دولت بتواند بدون دخالت خارجی، امور کشور را اداره نماید. در بعد خارجی دولتی دارای حاکمیت است که در تصمیم‌گیری‌ها و روابط خارجی‌اش، آزادانه عمل نموده به‌طوری‌که از دیگران تبعیت نکند. با کم‌رنگ‌شدن نقش حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان بازیگران و تدوین‌کنندگان اصلی قوانین حقوق بین‌الملل در دهه‌های اخیر، نگرانی آن‌ها نسبت به کم‌شدن اقتدار سیاسی خود در عرصه جهانی افزایش یافته است. به‌خصوص در زمینه محیط زیست مسئله قدری پیچیده‌تر می‌شود زیرا نه تنها دولت‌ها باید مراقب اعمال خود در ارتباط با محیط زیست تحت حاکمیت شان باشند بلکه لازم است احتیاط مورد نیاز را در پیشگیری از اعمالی که بیم آن می‌رود سبب آسیب‌ها و یا اثرات سوء زیست‌محیطی به کشورهای دیگر می‌شود، نیز داشته باشند.

اما ذکر این نکته لازم است که خرده جرایم محیط زیستی اگرچه به‌عنوان یک معضل بسیار حائز اهمیت است اما جرایم محیط زیستی در سطح وسیع و کلان که توسط دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی و حتی شرکت‌های چندملیتی وابسته به آن‌ها اتفاق می‌افتد بیشتر قابل تحلیل است. می‌دانیم امروزه بسیاری از دولت‌ها در حوزه نظامی و استراتژیک نظامی تمایل بسیاری در قدرتمند ساختن خود دارند و در این رهگذر به ابزارهای مختلفی متوسل می‌شوند. مهم‌ترین ابزار که امروزه مورد نظر جامعه بین‌الملل است؛ استفاده از تسهیلات هسته‌ای یا اتمی است. پسماندهای تولیدات صنعتی و زباله‌های ناشی از غنی‌سازی این مواد و مواد شیمیایی و همچنین در حوزه الکترومغناطیسی که قسمت عظیمی از کشورهای فقیر را مکانی برای بهره‌برداری و آزمایشات خود قرار داده تا علاوه بر انحراف افکار جمعی بین‌الملل و سوق دادن آلودگی‌های محیط زیستی به کشورهای درحال توسعه یافته خود را در حوزه داخلی و حتی بین‌المللی مبرا نمایند.

این که امروزه ما بسیار شاهد آن هستیم، تبلیغات کشورهای بی‌استقامتی است که در سطح بین‌الملل خود را متمدن و دور از ارتکاب ناهنجاری‌های داخلی و بین‌المللی معرفی نموده و این در حالی است که در فعالیت‌های اقتصادی و نظامی خود چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی موجب تخریب محیط زیست

می‌گردند و هر ساله در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با پرداختن به موضوعات محیط زیستی سعی در پوشاندن اقدامات غیرقانونی و غیراخلاقی خود دارند و در نهایت به چند توصیه‌نامه یا بالاتر از آن در حد محکومیت اقدامات مجرمانه علیه محیط زیست مباحث خود را خاتمه می‌دهند. چنین تفکری نه تنها در حوزه محیط زیست هیچ کمکی به حفظ آن به‌عنوان میراث مشترک بشریت نمی‌کند؛ بلکه آرام آرام به از بین رفتن این ودیعه الهی خواهد انجامید. محیط زیستی که انسان از لحظه چشم‌گشودن به این هستی می‌تواند نهایت لذت را از آن ببرد؛ بنابراین در این مورد حاکمیت و آزادی عمل آن‌ها نیز محدودتر می‌شود و به‌خصوص اینکه امروزه مباحثی در ارتباط با محیط زیست به‌عنوان میراث مشترک بشریت و همچنین حقوق نسل‌های آینده مطرح می‌شود و برای دستیابی به این آرمان‌ها و به دنبال کم‌رنگ‌شدن حاکمیت دولت‌ها در عین حال پاسخ‌گویی بیشتر آن‌ها به جامعه جهانی خواهد بود (Van der vyer, 2009).

متخصصان جرم‌شناسی نیز معتقدند که تدوین قوانین کیفری و طرز اجرای مجازات‌ها باید به منظور اصلاح و تربیت و یا درمان بزهکار باشد، زیرا به تجربه ثابت شده است که شدت مجازات‌ها بدون توجه به نحوه اجرای آن‌ها در تقلیل جرایم تأثیری ندارد و به‌طوری‌که عملاً مشاهده می‌شود روز به روز بر تعداد بزهکاران در دنیا افزوده می‌شود. خط‌مشی سیاست کیفری هر کشوری بایستی متکی به دو اصل یعنی تدوین قوانین کیفری و امکانات و قدرت اجرایی آن قوانین باشد. عدم اجرای قوانین بدون بر جرئت و جسارت بزهکاران می‌افزاید و اعتماد عمومی را نسبت به قدرت هیئت حاکمه از بین می‌برد (دانش، ۱۳۷۴، ۲۹۵).

در ماده ۳۰ منشور حقوق اقتصادی و وظایف دولت‌ها اشاره شده است: «حفاظت از محیط زیست در قبال نسل کنونی و نسل‌های آینده وظیفه تمامی دولت‌ها است و همه دولت‌ها باید در این زمینه تلاش نموده و سیاست‌های خود را در این راستا توسعه دهند. از طرفی دولت‌ها باید اطمینان حاصل نمایند که فعالیت‌هایی که در سرزمین‌شان انجام می‌دهند سبب صدمات زیست‌محیطی به کشورشان و همچنین کشورهای دیگر نمی‌شود؛ بنابراین دولت‌ها باید در این زمینه همکاری‌های لازم را با یکدیگر داشته باشند.» (UN General Assembly, 1984) حفاظت و نگهداری از محیط زیست بین‌المللی تعهد در مقابل جامعه بین‌المللی در کل بوده (Shelton, 2009, 83-102) و در نتیجه دولت‌ها نه تنها به اصل عدم ایراد آسیب به سایرین، بلکه به اصل منع تضرر به مشترکات عمومی (مانند موارد حائز درجه نگرانی‌های مشترک) نیز پای‌بند خواهند بود (Hunter, Salzman and Zaelke, 2002, 315).

همان‌طور که در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم (و اخیراً اصل ۲ اعلامیه ریو) اشعار می‌دارد: «دولت‌ها براساس

منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل... مسئولند تا اطمینان حاصل کنند که اقدامات داخلی در حوزه صلاحیت یا کنترل آن‌ها به محیط زیست و سایر دولت‌ها یا مناطق فراسوی حوزه صلاحیت ملی خسارت وارد نمی‌آورد». در شرایطی که کلیه دولت‌ها اعم از عضو و غیرعضو در معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی و وظیفه دارند که فعالیت‌های تحت کنترل یا صلاحیت آن‌ها منجر به صدمه به محیط زیست دیگر دولت‌ها یا مناطق خارج از قلمرو ملی آن‌ها نشود، به نظر می‌رسد که این تعهد به جلوگیری از صدمه به محیط زیست جهانی شامل تعهد دولت به حمایت از محیط زیست در صلاحیت دیگر دولت‌ها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی و تعقیب فعالیت‌های غیرمجاز افراد حقیقی یا حقوقی تحت صلاحیت یا کنترل خود است (International Court of Justice, 1949, Para226) در این شرایط وظیفه جلوگیری از صدمه به محیط زیست منطقه در رویه دولت‌هایی مشهود است که آن را به‌عنوان قانون و رویه بین‌المللی عرفی خود پذیرفته‌اند (International Court of Justice, 1996, Para241) بدیهی است که دولت‌ها برای قصور از این مسئولیت‌ها متعهد به پرداخت غرامت هستند (صالحی، ۱۳۹۸، ۱۹۹). هرچند به نظر می‌رسد پرداخت غرامت اصولاً موجب بازگشت محیط زیست تخریب شده به حالت قبل خود نخواهد بود.

نتیجه

از زمانی که مخاطرات و گسترش آلودگی‌های زیست‌محیطی به دلیل بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت، موجب تدوین مقررات محیط زیستی در سطح بین‌المللی و همچنین در سطح داخلی گردیده، بر این اساس قوانین محیط زیستی گردهم آمده است؛ اما همچنان وجود خلاءهای قوانین منسجم و همگانی از نزدیک شدن به اهداف آن، ممانعت می‌کند. حمایت کیفی از محیط زیست، از سازوکارهای مؤثر جهت صیانت از محیط زیست محسوب می‌شود. به منظور حفاظت واقعی از محیط زیست بهتر آن است که با استفاده از ظرفیت‌های جامعه و با اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، از بروز زمینه‌های شروع به جرایم زیست‌محیطی جلوگیری به عمل آورد.

در دوره جدید گسترش روزافزون پدیده مجرمانه، همراه با پیدایش ابعاد نوین بزه و بزهار، مشکل ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در استفاده از ضمانت‌اجراهای کیفری است. از این رو تعیین سیاست جنایی با در نظر گرفتن عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با مشارکت جامعه مدنی در توسعه عدالت کیفری ضروری است. این جمله که قوانین بین‌المللی اصولاً فاقد ضمانت‌اجرای کافی هستند یا حتی برخی از نویسندگان به‌طور کلی آن را غیرقابل اجرا و فاقد ضمانت‌اجرا می‌دانند دیدگاهی ناصحیح است.

می‌دانیم که بسیاری از جرایم به‌ویژه جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی و دیگر موارد در حوزه حقوق بین‌الملل در دادگاه کیفری بین‌المللی قابل تعقیب، رسیدگی و محاکمه و حتی اجرای مجازات است. امروزه حوزه محیط زیست اگر بیشتر از جرایم برشمرده نباشد کم اهمیت‌تر از آن‌ها نخواهد بود. در نگاه عمیق حقوقی متوجه خواهیم شد که جرایم علیه محیط زیست یقیناً هم‌تراز با جرایم علیه بشریت است، اینکه ما پذیرفتیم و آگاه به این مسئله هستیم که محیط زیست جزء میراث مشترک بشریت است و هر اقدام علیه آن جنایت علیه بشریت تلقی می‌گردد؛ بنابراین به نظر می‌رسد بر این اساس رسیدگی به چنین جرایمی می‌تواند در دادگاه کیفری بین‌المللی قابل طرح و رسیدگی باشد؛ لیکن شرط نخست این است که با تنظیم و تهیه قواعد سازگار با عرف بین‌الملل در حوزه حقوق بین‌الملل مسئله را پیش برده و دولت‌ها با پذیرش جرایم محیط زیستی به‌ویژه در سطح کلان در مثال‌های فوق مانند سایر جرایم برشمرده در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در صورت تخطی از آن قواعد خود را قابل بازخواست در حوزه بین‌الملل دیده و محکومیت خود را پذیرا باشند.

بنابراین به نظر می‌رسد قواعد و مقررات جزایی در حوزه محیط زیست اگرچه در اکثر کشورها به آن پرداخته شده و جرم‌انگاری گردیده است اما شدت و حدت مجازات‌ها و به‌ویژه در حوزه اجرا بسیار ضعیف عمل می‌کنند. به نظر می‌رسد استفاده از سازوکارهای آموزشی و تغییر الگوهای ناپایدار تولید و مصرف با صرفه جویی در استفاده از منابع تجدیدنپذیر از اقدامات قابل انجام در این زمینه است و در نهایت بکارگیری تدابیر اقتصادی یعنی ایجاد تعادل میان رشد اقتصادی و تأثیرات محیط زیستی همراه با بهره‌مندی از فناوری‌های سازگار با محیط زیست، تدبیری منطقی و راهگشا در دستیابی به محیط زیستی کمتر آلوده خواهد بود و توصیه می‌شود تا همه دولتمردان با لحاظ قوانین محیط زیستی که منشاء آن توجه به فرهنگ و ساختارهای اخلاقی افراد باشد آن را مورد حمایت بیشتر قرار دهند؛ بنابراین حمایت کیفری از محیط زیست، از سازوکارهای مؤثر جهت صیانت از محیط زیست محسوب می‌شود. لذا به منظور حفاظت واقعی از محیط زیست بهتر آن است که با استفاده از ظرفیت‌های جامعه و با اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، از بروز زمینه‌های شروع به جرایم زیست‌محیطی جلوگیری به عمل آورد.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

- تقی زاده انصاری، مصطفی، ۱۳۷۴، **حقوق محیط زیست در ایران**، تهران، انتشارات سمت.
- قاسمی، ناصر، ۱۳۸۰، **حقوق کیفری محیط زیست**، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- دانش، تاج زمان، ۱۳۷۴، **مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مؤسسه کیهان.
- دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۸، **حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)**، به اهتمام احمدعلی محسن زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- عبدالهی، محسن؛ رضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ فریادی، مسعود؛ ساجدی، زهرا، ۱۳۸۸، **حقوق کیفری محیط زیست: ملاحظات و راهکارها**، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- گسن، ریموند؛ ۱۳۷۴، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- نادری، شیما، ۱۴۰۰، **اهداف توسعه پایدار سند ۲۰۳۰ راهکار حفاظت محیط زیست دریایی خلیج فارس**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- وکیل، امیرساعت و عسکری، پوریا، ۱۳۸۳، **قانون اساسی در نظم حقوق کنونی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- مقاله‌ها**
- تقوی، لعبت و طیبی، سبحان، ۱۳۹۱، چالش‌های جهانی حقوق بین‌الملل محیط زیست: تغییرات آب‌وهوایی، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس**، شماره ۱۱.
- جام بزرگ، مریم؛ پورنوری، منصور؛ پورهاشمی، عباس؛ هرمیداس باوند، داود، ۱۳۹۸؛ مؤلفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست‌محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی، **فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست**، شماره ۴.
- جعفری، امین و احمدی، اصغر، ۱۳۹۸، جبران خسارات جرایم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۲.
- شهبازی، آرامش و برلیان، پویا، ۱۳۹۷، نقش زیست فناوری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۱.
- صالحی، جواد، ۱۳۹۸، مسئولیت جبران خسارت به محیط زیست منطقه اعماق دریاها در حقوق بین‌الملل عرفی و

- رویکرد متناقض شعبه حل اختلاف بستر دریاها، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۹، شماره ۱.
- طیبی، سبحان؛ زارع، علی؛ نادری، شیما، ۱۳۹۸، دیپلماسی محیط زیست در پرتو هم‌گرایی بین‌المللی؛ رهیافتی مؤثر در نیل به سوی حقوق بین‌الملل توسعه پایدار، **فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست**، شماره ۹.
- عبداللهی، محسن، ۱۳۸۶، حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی، **فصلنامه علوم محیطی**، شماره ۵ (۱).
- عرب اسدی، شیما و رنجبریان، امیرحسین، ۱۳۹۷، نگرانی‌های مشترک بشری؛ از پدیداری تا تکامل در حقوق بین‌الملل محیط زیست، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۸، شماره ۲.
- کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی، ۱۳۸۷، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲.
- مولایی، یوسف، ۱۳۸۶، نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴.

لاتین

Books

- Christofer C. Joyner, *International Law in the 21st Century*, New York: Rowman and Littlefield Publishers, 2005, P. 219.
- Shelton, D. , 2009, "Common Concern of Humanity", *Environmental Policy and Law*, Vol 2, No 39, pp. 83-102.

Paper

- Andrews, E. , 2011, *Jean Bodin on Sovereignty, Republic of Letters: A Journal for the Study of Knowledge, Politics and the Art*, Vol. 2, Issue2, see information in: <http://arcade.stanford.edu/rofl/jeanbodin-sovereignty>, Accessed 28 January 2015.
- Hunter, D. , Salzman, J. , and Zaelke, D. , 2002, "International Environmental Law and Policy", Foundation Press, Second Edition.
- Van der vyer, J. D. , 2009, *The Environment: State Sovereignty, Human Rights and Armed Conflict*, *Emory International Law Review*, Vol. 83, P. 85-112.

Documents

- UN General Assembly, 1984, *Charter of Economic Rights and Duties of States: resolution/adopted by the General Assembly. , 17 December 1984, A/RES/39/163.*

Cases

- International Court of Justice, 1949, *U. S. v. Canada, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, *Trail Smelter Case*, para 22 & International Court of Justice, 1996, *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion*, para 226.
- International Court of Justice, 1996, *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion*, para 241-242 & International Court of Justice, 2010, *Argentina*

v. Uruguay, Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay, pp. 199-202.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸
- قانون سازمان برق ایران مصوب ۱۳۴۶/۰۴/۱۹
- قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۱۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۲۵
- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۲۸
- قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی و مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۸/۰۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۰۷/۰۵
- قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۰۶/۱۴
- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۰۲/۰۳ مجلس شورای اسلامی
- قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵
- قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۲۰
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحیه ۱۳۹۴
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- دستورالعمل اجرایی پیشگیری از تخریب، تجاوز و تصرف عدوانی اراضی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۳/۰۹/۲۲
- رای وحدت رویه شماره ۶۸۱ مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۲۶
- رای وحدت رویه شماره ۶۸۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulia, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**